

| | |
|------------|--|
| دوتا ۲۴۵ | در میان گذاشتن برکات ۴۷ |
| T = معلم ۱ | یک شاگرد آنچه از دوم پطرس ۱ - ۳ یاد گرفته است در میان می گذارد . |
| S = معلم ۲ | |

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید . دو معلم آنچه از رازگهان های خود یاد گرفته اند در میان خواهند گذاشت . هفته گذشته هر روز با قسمتی از عهد جدید رازگهان داشتیم هفته ای یکبار جمع می شویم تا آنچه یاد گرفته ایم را در میان گذاشته به بعضی از سئوالات سخت پاسخ دهیم . عنوان امروز این است : یک شاگرد آنچه از دوم پطرس ۱ - ۳ یاد گرفته است در میان می گذارد .

(S) نکته ۲ . در میان گذاشتن برکات از دوم پطرس ۱ - ۳ .

هفته گذشته دوم پطرس ۱ - ۳ را خوانده ، بر آن تعمق کرده و در مورد آن دعا کرده ایم . اکنون با استفاده از یادداشتهای رازگهانهایمان ، حقایق و دروسی را که از قسمت مشخص شده یاد گرفته ایم در میان گذاشته و بعضی سئوالات را مورد گفتگو قرار خواهیم داد .

در میان گذاشتن برکات رازگهان از دوم پطرس فصل ۱ .

(T) می خواهم از دوم پطرس ۱ : ۱ - ۴ درباره مسئولیت خدا در ارتباط با نجات مطلبی را در میان بگذارم . یک ایمان یک عطاست . این قسمت می گوید ، " خدا ... این ایمان را به هر یک از ما عطا می فرماید و " او همچنین با قدرت عظیمش هر چه که برای یک زندگی خدا پسندانه نیاز داریم عطا می کند . " مسیحیان دارای این مزیت بسیار عالی هستند که ایمانی بسیار با ارزش و هر آنچه که برای داشتن یک زندگی خدا پسندانه لازم است را دریافت کرده اند . این ایمان ، ایمانی قلبی است ، اعتقادی درونی که مسیحی را به عیسی مسیح پیوند میدهد و این او را نجات ابدی می بخشد . پطرس رسول هم به مسیحیان یهودی و هم به مسیحیان امتهای می نویسد . او می گوید که ایمانی که امتهای دریافت می کنند به اندازه ایمانی که یهودیان دریافت کرده اند با ارزش است . فرق بین یهودیان و امتهای در طی دوره عهد عتیق از میان رفته است . پطرس در این نامه آنچه در اعمال ۱۱ : ۱۷ و ۱۵ : ۹ گفته است را تکرار می کند که خدا به امتهایی که ایمان آوردند همان عطایی را بخشیده که به یهودیان ایمان دار بخشید . خدا هیچ تبعیضی میان یهودیان و غیریهودیان قائل نشد زیرا او قلب هر که به او ایمان آورد را پاک ساخت . این ایمان توسط خدا به مردم داده می شود و هرگز قابل کسب نیست بلکه قابل دریافت است . مسئولیت خدا در ارتباط با نجات این است که به کسانی که بر می گزینند ایمان می بخشد .

دو . انسان هرگز خدا را انتخاب نمی کند بلکه خدا انسان را انتخاب می کند . بعضی مسیحیان به اشتباه تعلیم می دهند که ایمان کار انسان است نه عطای خدا . آنها اول پطرس ۱ : ۲ را تفسیر می کنند که می گوید خدا مردم را بر اساس پیش دانی خود برمی گزیند گویی خدا فقط از پیش می داند که چه کسانی توبه می کنند و ایمان می آورند . یا می گویند که خدا از قبل کسانی را انتخاب می کند که می داند با تاثیر الهی او مخالفت نمی کنند . از نظر آنها انتخاب الهی انتخاب مقتدرانه نیست بلکه انتخابی شرطی است . آنها تعلیم می دهند که انتخاب مردم توسط خدا بستگی دارد به اینکه انسان ، خدا را انتخاب کند . آنها می گویند که انتخاب خدا بستگی به پیش دانی او در ارتباط با تصمیم ، ایمان و عمل آینده انسان دارد . آنها تعلیم می دهند که خدا فقط کسانی را بر می گزیند که می داند در آینده به عیسی ایمان خواهند آورد . این درست نیست .

سه . فیض و ایمان عطایای مقتدرانه الهی هستند . کتاب مقدس تعلیم می دهد که ایمانی که نجات می بخشد سخاوتمندانه توسط خدا عطا می شود . افسسیان ۲ : ۸ - ۹ تعلیم می دهد ، " در اثر بخشش رایگان و مهربانی خدا و توسط ایمانتان به مسیح است که نجات یافته اند و این کار شما نیست بلکه هدیه خداست . نجات نتیجه اعمال خوب ما نیست از اینرو هیچکس نمی تواند به خود ببالد . ایمان از خود ما سرچشمه نمی گیرد بلکه عطای خدا است . قطعاً درست است که خدا از پیش ایمان ما را می بیند درست مانند اینکه قبل از وقوع هر چیزی آن را می بیند . پس سؤال این است ، " این ایمان که خدا از پیش می بیند از کجا می آید ؟ " تنها پاسخ کتاب مقدس این است که این ایمان که خدا از پیش می بیند ایمانی است که خود خدا در قلبها و افکار کسانی بوجود می آورد که انتخاب می کند . در یوحنا ۶ : ۴۴ ، عیسی تعلیم می دهد ، " فقط کسی می تواند نزد من آید که پدر خدا که مرا فرستاده است او را به سوی من جذب کند . " " فقط کسی می تواند نزد من بیاید که پدرم خدا ، او را به سوی من جذب کند . " در فیلیپیان ۱ : ۲۹ پولس رسول تعلیم می دهد ، " زیرا خدا به شما این افتخار را داده است که نه فقط به او ایمان آورید ... " در اعمال ۱۳ : ۴۸ لوقا می نویسد ، " آنان که برای حیات جاودانی تعیین شده بودند ، ایمان آوردند . " و در اعمال ۱۶ : ۱۴ او می نویسد ، " خداوند دل او را باز کرد به طوری که هر چه پولس می گفت می پذیرفت . " پس تصمیم ازلی خدا برای تولید ایمان نجات بخش در قلوب مردم است که آینده نگری ازلی او را تعیین می کند (شرط لازم) یا این پیش دانی که این اشخاص بکروز ایمان خواهند آورد . ما باید بین انتخاب ازلی و مقتدرانه خدا به ایمان از یک طرف و نتایج انتخاب الهی از طرف دیگر تمایز قائل شویم . اول پطرس ۱ : ۲ تعلیم می دهد که این کاملاً مسئولیت خداست که انتخاب کند و مردم را به نجات بخواند .

(S) می خواهم از دوم پطرس ۱ : ۵ - ۱۱ در مورد مسئولیت‌های يك ايماندار در ارتباط با رشد و ثمردهی خود مطلبی در میان بگذارم .

يك مسیحیان مسئولیت دارند که فضایل مسیحی را به ایمان خود اضافه کنند . دوم پطرس ۱ : ۵ می گوید ، ” علاوه بر ایمان به خصلت های دیگری نیز نیاز دارید بلی سخت بکوشید که نيك باشید . خدا را بهتر بشناسید و به اراده او پی ببرید . “ و دوم پطرس ۱ : ۱۰ می گوید ، ” بکوشید تا ثابت کنید که حقیقتا جزو برگزیدگان و دعوت شدگان خدا هستید . “ گر چه دوم پطرس ۱ : ۱ - ۴ تعلیم می دهد که این فقط به فیض مقتدر الهی است که من مسیحی می شود اما به این معنی نیست که من باید غیر فعال باشم . تمام مسیحیان مسئولند که به ایمانشان ویژگی هایی را بیفزایند که آنها را از دعوت و برگزیدگیشان مطمئن بسازد . بعد از اینکه شخصی از طریق فیض خدا مسیحی می شود مسئولیت دارد که در فضایل مسیحی رشد کند . يك مسیحی به خصوص به این فضایل برای غلبه بر معلمین کاذب نیاز دارد .

برای مثال ، من به ویژگی نیکویی نیاز دارم تا توسط معلمین کاذب دچار انحراف نشوم . نیکویی امتیازی اخلاقی و یا شهامت داشتن زندگی مقدس است ، داشتن قوت است برای این که فریفته هر نوع تعلیم غلط نشد . بلکه برای ایمان انجیل بدون واهمه و به هر ترتیب ، با کسانی که با من مخالفت می کنند مبارزه کنم (فیلیپیان ۱ : ۲۷ - ۲۸) .

من احتیاج به معرفت دارم تا تلاش من مبدل به اتلاف احمقانه انرژی نشود . احتیاج به این معرفت دارم که کی ، کجا و چطور عمل کنم و بخصوص کدام طریق عمل کردن است که بیشترین جلال را به خدا می دهد و بهترین نتیجه را برای کلیسای مسیحی دارد . از طرف دیگر من احتیاج به عفت و پرهیزگاری دارم . تا بدانم که کی باید پرهیزکاری کنم و حتی از حرف زدن و عمل کردن خود داری کند . از طرف دیگر احتیاج به صبر دارم تا پرهیزگاری من مبدل به تسلیم شدن کامل و بی قیدی ناتوانی و تحمل نومیدانه گناه و انکار مسیح نشود . صبر فضیلتی است که تسلیم تعلیم غلط و شیوه غلط زندگی نمی شود .

من احتیاج به دینداری دارم تا دائما به حضور خدا و کمک او به جای حکمت و قدرت خودم اعتماد کنم . دینداری فضیلتی است که در جستجوی احترام یا نفع خود نیست بلکه جلال خدا . این نشان می دهد که هر آنچه که من انجام می دهم به دلیل ایمان به خداوند و محبت به اوست .

من احتیاج به مهربانی برادرانه دارم که فضیلتی است که با محبت به برادران و خواهران مسیحی خود متصل و در پی بنای آنها است .

و بالاخره ، من احتیاج به محبت دارم که تمام فضایل را خلاصه می کند و نسبت به دیگران نیکی می کند و آنها را نجات می دهد و از پذیرفتن گناهان آنها خود داری می کند .

خدا وعده می دهد که وقتی من این فضایل را به کار می برم و در آنها پیشرفت کنم هرگز بی فایده و بی ثمر نخواهم بود . من مسیحی ای خواهم بود که بر همسایگان خود تاثیر گذاشته و در شناخت شخصی و مشارکت با مسیح رشد خواهم کرد .

دو . مسیحیان باید از دعوت و برگزیدگی خود مطمئن شوند . با انجام مسئولیت‌هایم است که در فضایل مسیحی رشد می کنم و از دعوت و برگزیدگی خود مطمئن می شوم . این مسئولیت خداست که مرا انتخاب و دعوت می کند ، اما این مسئولیت من است که از دعوت و برگزیدگی خود مطمئن شوم . این حقیقت که خدا من را برگزیده با این واقعیت آشکار می شود که او مرا از طریق موعظه انجیل و کار روح القدس در قلب من دعوت نمود . من نمی توانم نامم را در کتاب نقشه ازلی خدا و برگزیدگی مقتدر الهی عمیقتر حك کنم اما ممکن است که ، با انکار ایمان و یا زندگی ای گناه آلود ، اثر عینی آن را از دست بدهم . مسیحی ای که در تقدس رشد نمی کند هرگز نمی تواند از نجات خود مطمئن باشد . اما وقتی من ایمانم را به کار می برم و در فضایل مسیحی رشد می کنم بیشتر و بیشتر مطمئن و آگاه تر شده که خدا مرا برگزیده و دعوت کرده تا فرزند او بشوم .

در میان گذاشتن برکات از دوم پطرس فصل ۲ .

(T) دوم پطرس ۲ : ۹ می گوید ، ” به همین ترتیب خدا می تواند من و شما را نیز از وسوسه های اطرافمان رهایی بخشد و به مجازات مردم خدا شناسا دامه دهد تا سرانجام روز داوری فرا برسد . “ می خواهم با نخستین تعلیم کاذب در رابطه با داوری نهایی به نام ” فرضیه نیستی “ مخالفت کنم . کسانی که از این تعلیم کاذب دفاع می کنند می گویند که بعد از مرگ انسانهای شریر ، آنها از هستی ساقط نمی شوند . و همچنین می گویند که جهنمی وجود ندارد . آنها اساس تعلیم خود را در سایه این حقیقت قرار می دهند که فقط خدا غیر فانی است ، و اینکه زندگی جاودانی بعدها به ایمانداران داده شده و بی ایمانان ” نابود “ خواهند گردید که اینطور تفسیرش می کنند که ” به نیستی خواهند پیوست “ . فرضیه نیستی ، کتاب مقدسی نیست . موارد زیر دلایلی بر خلاف فرضیه نیستی است .

يك . نخستین دلیل مخالف فرضیه نیستی این است که خدا ” غیر فانی “ است اما این ” غیر فانی “ بودن را به انسان هم بخشیده است . بر طبق اول تیموتائوس ۶ : ۱۶ ، خدا واقعا تنها کسی است که غیر فانی به معنی فنا ناپذیر بودن است . پیدایش ۱ : ۲۷ می گوید که خدا انسان را به شباهت خود آفرید که شامل این نیز می شود که او انسان را غیر فانی آفرید یعنی به مفهوم وجود داشتن ابدی . اما بر طبق پیدایش ۲ : ۱۷ ، خدا به نخستین انسان هشدار می دهد که اگر او گناه کند غیر فانی بودن خود را از دست خواهد داد و قطعاً خواهد مرد . پیدایش ۳ : ۱۹ نشان می دهد که بعد از مرگ ، جسم تمام انسانها به عنوان مجازات ، در خاک خواهد

پوسید اما اول قرن نهم ۱۵ : ۴۲ تعلیم می دهد که در هنگام قیام جسم های تمام مردم دوباره به صورت فنا ناپذیر قیام خواهند کرد . پس ، کتاب مقدس بوضوح تعلیم می دهد که وقتی انسان می میرد از هستی ساقط نخواهد شد .
دو . دومین دلیل مخالف فرضیه نیستی این است که خدا به تمام انسانها غیر فانی بودن را بخشیده است اما حیات جاودانی را فقط به ایمانداران داده است . یوحنا ۵ : ۲۸ - ۲۹ ، اعمال ۲۴ : ۱۵ و مکاشفه ۲۰ : ۱۲ - ۱۵ تعلیم می دهد که در هنگام بازگشت عیسی مسیح ، جسم تمام انسانها ، هم عادلان و هم ناعادلان قیام خواهند کرد و قیام آنها همزمان خواهد بود . متی ۲۵ : ۴۶ می گوید کسانی که عادل نیستند به مجازات ابدی و کسانی که عادل هستند به حیات ابدی وارد خواهند شد . پس در حالیکه جسم هم ایمانداران و هم بی ایمانان وجود ابدی خواهند داشت فقط بی ایمانان متحمل مجازات ابدی خواهند شد و فقط ایمانداران حیات ابدی را تجربه خواهند کرد . واژه غیر فانی یا ادامه یافتن وجود مترادف با ” حیات جاودانی “ نیست . حیات جاودانی در واقع عطایی از جانب خداست که شریران آن را دریافت خواهند کرد . اما این بدان معنی نیست که وجود شریران به هستی ادامه خواهد داد . جسم و روح کسانی که عادل نیستند تا ابد به بودن در جهنم ادامه خواهد داد اما جسم و روح آنانی که از طریق ایمان عادل شمرده شده اند به حیات در آسمان و زمین جدید تا ابد ادامه خواهند داد .

سه . سومین دلیل مخالف با فرضیه نیستی این است که واژه ” هلاکت “ در کتاب مقدس به معنی ” نیستی “ یا از ” هستی ساقط شدن “ نیست . واژه مرگ ، ” هلاکت “ و ” نابودی “ در ارتباط با انسان در کتاب مقدس به معنی ” ساقط شدن از هستی “ نیست . در اول قرن نهم ۵ : ۵ ” هلاکت “ اصلاً به معنی ” نیستی “ نیست . در این قسمت ، کلیسا گناهکاری را به شیطان می سپارد تا ذات گناه آلودش هلاک شود به این امید که روح او در روز دوری نجات بیابد . برای مثال آن گناهکار ممکن است از بیماری یا دردی وحشتناک رنج ببرد . اما او نابود نخواهد شد . شیطان فقط می تواند ذات گناه آلود انسان را هلاک کند اما فقط مسیح می تواند با کار نجاتبخش خود ذات گناه آلود انسان را از بین ببرد . دوم تسالونیکیان ۱ : ۸ - ۹ تعلیم می دهد که ” هلاکت “ در روز دوری نهایی دقیقاً مخالف ” ساقط شدن از هستی “ است . در آنجا شریران با ” هلاک جاودانی “ مجازات خواهند شد که یعنی در واقع ” از حضور خداوند دور خواهند ماند و هرگز شکوه و عظمت قدرت او را نخواهند دید . “ کیفری که خدا خواهد داد (۸) دوری از محبت ، رحمت و توجه الهی است و اخراج از حضور و مشاهده جلال و شکوه عیسی مسیح است . در مکاشفه ۲۰ : ۱۰ به این معنی است که ، ” دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد می سوزد ... او تا به ابد در آنجا عذاب خواهد کشید “ . دوم پطرس ۲ : ۹ بوضوح همین را تعلیم می دهد که بعد از مرگ ، خداوند تا به روز دوری ، خدا شناسان را نگه می دارد . مردگان خدا شناس وجودشان و همچنین مجازاتشان ادامه خواهد داشت . هیچکس از هستی ساقط نخواهد شد .

(S) میخوایم که با دومین تعلیم غلط به نام فرضیه فرصت دوم مخالفت کنیم . فرضیه فرصت دوم ، کتاب مقدسی نیست . این فرضیه می گوید که نجات از طریق مسیح بعد از مرگ هم امکان پذیر است . کسانی که به این تعلیم غلط اعتقاد دارند می گویند کسانی که هرگز شانس شنیدن انجیل را نداشته اند و یا هرگز درست به ادعاهای مسیح توجه نکرده اند و یا در کودکی مرده اند بعد از مرگ فرصت دومی برای ایمان آوردن پیدا خواهند کرد . آنها می گویند که هیچکس بدون اینکه فرصت مناسب شنیدن و ایمان آوردن به انجیل را نداشته باشد به جهنم محکوم نخواهد شد . پس نتیجه می گیرند که وضعیت ابدی انسان تا روز دوری به صورت قطعی تعیین نخواهد شد . آنها فرضیه خود را بر درک انسان از محبت و عدالت و بر تمایل او به عمومی کردن کار پر جلال مسیح تا جایی که امکان دارد قرار می دهند . آنها به اول پطرس ۳ : ۱۹ و ۴ : ۶ اشاره می کنند که بر اساس آن می گویند که مسیح در دوران بین مرگ و قیام ، انجیل را به ارواح زیر زمین موعظه نمود . همچنین به آیاتی مانند یوحنا ۳ : ۱۸ ، ۳۶ اشاره می کنند که بر اساس آن تعلیم می دهند که ” بی ایمانی عمدی “ تنها زمینه محکومیت است . فرضیه ” فرصت دوم “ ، غیر کتاب مقدسی است . دلایل زیر بر علیه فرضیه فرصت دوم می باشند .

یک . اولین دلیل مخالف فرضیه دوم این است که وضعیت بعد از مرگ بی ایمانان از قبل تعیین شده است . قبل از روز دوری نهایی ، روح یا جان بی ایمانان از قبل در عذاب خواهد بود . لوقا ۱۶ : ۱۹ - ۳۱ نقل می کند که خدا مرد ثروتمند ظالم را بلافاصله بعد از مرگ مجازات نمود . پس در جهنم او در عذاب و شکنجه خواهد بود . دوم پطرس ۲ : ۹ تعلیم می دهد ، ” خدا می تواند ... به مجازات مردم خدا شناس ادامه دهد تا سرانجام روز دوری فرا برسد . “ ” خدا شناسان “ کسانی اند که با ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده نشده اند . بعد از مرگ ، آنها محکم نگه داشته می شوند یا در جهنم ” برای هدف و برای مدتی مشخص خواهند ماند . “ مجازات آنها در آنجا ادامه خواهد یافت و جان یا روح آنها تا روز دوری نهایی عذاب خواهد کشید . هنگام آمدن ثانویه مسیح ، جسم آنها قیام خواهد کرد و دوری خواهند شد . بعد از روز دوری نهایی عذاب آنها بدتر هم خواهد شد . بعد از اینکه دوری آنها در حضور تمام مردمی که تا به آن زمان زندگی کرده اند توسط خدا اعلام گردید شرمندگی نیز به عذاب آنها اضافه خواهد شد . و از عذاب جهنم نه فقط با روح یا جانشان بلکه با جسم نیز عذاب خواهند کشید . آنها از عذاب دوری از حضور ابدی خدا تا به ابد رنج خواهند برد . یهویدا ۷ - ۱۳ تعلیم می دهد که ” تاریکی مطلق “ ” ابدی “ خواهد بود .

دو . دلیل دوم مخالف فرضیه فرصت دوم این است که سرنوشت ابدی مردم توسط کارهایی تعیین می شود که در جسم انجام داده اند و نه با چیزهایی که در مرحله بینابین بعد از مرگ رخ می دهد . در متی ۷ : ۲۲ - ۲۳ ، ۱۰ : ۳۲ - ۳۳ و ۲۵ : ۳۴ - ۴۶ عیسی به وضوح تعلیم می دهد که انجام اراده خدا بر زمین ، اعتراف کردن عیسی در برابر مردم روی زمین و انجام اعمال مهربانانه نسبت به برادران مسیح بر روی زمین کارهایی است که سرنوشت ابدی مردم را تعیین می کنند . دوم قرن نهم ۵ : ۱۰ می گوید ، ” زیرا همه ما در مقابل تخت دوری مسیح خواهیم ایستاد و هر یک از ما نتیجه اعمالی را که در این زندگی انجام داده

است خواهد دید چه نیک، چه بد. " اول پطرس ۳ : ۱۹ و ۴ : ۶ نمی گوید که عیسی مسیح انجیل را به کسانی موعظه می کند که مرده اند و در نتیجه تعلیم نمی دهند که بعد از مرگ، مردم فرصت دومی برای ایمان به مسیح خواهند داشت. اول پطرس ۳ : ۱۸ - ۲۲ از صعود مظفرانه مسیح به آسمان سخن می گوید و اول پطرس ۴ : ۶ از " تقدس مسیحیان بر زمین " . چون این دو قسمت درباره مسائلی مختلف سخن می گویند پس نمی توان از آنها برای ساختار يك فرضیه غلط استفاده کرد .

در میان گذاشتن برکات از دوم پطرس فصل ۳ .

(T) می خواهم از دوم پطرس ۳ : ۹ درباره اراده خدا نسبت به توبه تمام مردم مطلبی را در میان بگذارم . آیه ۸ - ۹ می گوید، " اما ای عزیزان این حقیقت را فراموش نکنید که برای خدا يك روز با هزاران سال تفاوتی ندارد . بنابراین این ، مسیح در وعده بازگشت خود تاخیری بوجود نیاورده است گر چه گاهی اینگونه به نظر می رسد . در واقع ، او صبر می کند و فرصت بیشتری می دهد تا گناهکاران توبه کنند . چون نمی خواهد که کسی هلاک شود . "

این آیه توسط بعضی مسیحیان به این مفهوم تفسیر می شود که اراده خداست که تمام مردم نجات بیابند و هیچکس هلاک نشود . اما وقتی با دقت بیشتری به این آیه نگاه می کنم متوجه می شوم که پطرس رسول در مورد " تمام مردم دنیا " صحبت نمی کند . بلکه " تمام کسانی که او نامه دومش را به آنان می نویسد . " او نمی گوید ، " خدا نسبت به کل جهان صبور است بلکه می گوید " خدا نسبت به تو صبور است " در اول پطرس ۱ : ۱ پطرس رسول به مردمی اشاره می کند که خدا از طریق عیسی مسیح انتخاب کرده تا نجات دهد . او نمی گوید ، " این اراده خدا است که هیچکس در این دنیا هلاک نشود " بلکه می گوید ، " این اراده خداست که هیچکدام از شما که به شما می نویسم هلاک نشوید . "

دو . دومین نامه پطرس در اشاره به غیر مسیحیان نیست تا به آنها بشارت دهد . بلکه اشاره به مسیحیان است تا آنها را در دوران ناامنی و جفای شدید تشویق کند تا ایمانداران بدانند که چرا این جفا و سختی ها ادامه مییابد و هنوز به آخر نرسیده است . دلیل این است که خدا مشغول انجام نقشه نجات خود در جهان است . هنوز انسانهای زیادی هستند که خدا انتخاب می کند و انجیل را هنوز نشنیده اند . هدف خدا این است تمام کسانی که از قبل از خلقت جهان انتخاب کرده است قطعاً متبدل شده و ایمان بیاورند . (دوم تیموتائوس ۱ : ۹ - ۱۰) . آنها ایمان می آورند اما نه بر اساس کارهایی که انجام داده اند بلکه فقط بر اساس انتخاب مهربانانه و دعوت الهی . اشعیا ۱۴ : ۲۴ ، ۲۷ و افسسیان ۱ : ۱۱ تعلیم می دهند که هیچ چیز و هیچکس نمی تواند مانع نقشه ازلی خدا برای نجات مردمی بشود که او می خواهد نجات بیابند .

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول . اول یوحنا ۱ - ۵ را به هفت قسمت تقسیم کنید . هر روز با يك قسمت ، رازگهان داشته باشید . حاصل تعمق تمام رازگهان های خود را در يك دفترچه ، یادداشت کنید . هفته ای یکبار با یکی از دوستانتان و یا در يك مشارکت خانگی یا گروه شاگردی برکات رازگهانهای خود را در میان بگذارید .

دوم . کتابهای دستورعمل " بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید " را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید . این آدرس را به حروف تکرار میکنم

سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش کنید .